

## بررسی خصوصیات و ویژگی‌های کلامی مدرسه حله و علمای طراز اول آن

محمد طالعی اردکانی\*

### چکیده

تاریخ کلام امامیه در مسیر رشد و پیشرفت خود مدارس و مکاتبی را پشت سر نهاده است که هر کدام با روشی خاص، نقش تحول آفرینی در بالندگی اندیشه‌های کلامی آن داشته‌اند. در دو مدرسه نخستین مدینه و کوفه، همه باورها و بن‌مایه‌های اعتقادی شیعه، تبیین و تدوین یافت. بعدها در مدرسه قم و بغداد، میراث پیشین را با دو رویکرد متفاوت مدون کردند و به نسل‌های بعدی انتقال دادند. بعد از افول مدرسه قم و بغداد، مهم‌ترین مدرسه‌ای که از لحاظ جامعیت، تنوع، نوآوری و متمایز بودن آن در اندیشه‌های کلامی سرآمد مدارس دیگر امامیه شد، مدرسه یا حوزه حله بود.

واژه‌های کلیدی: مدارس کلامی، مدرسه حله، امامیه

## مقدمه

حوزه حله از مهم‌ترین مراکز علمی ممالک اسلامی و خاورمیانه در عصر ایلخانان بود. در این دوره که مراکز علمی ممالک اسلامی به دلیل تهاجم صلیبیان از غرب و مغولان از شرق، از بین رفته و یا ضعیف شده بودند، حوزه حله به تربیت دانشمندان بزرگی در زمینه‌های مختلف علوم همت گماشت و به تاثیرگذارترین مرکز علمی در مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. در این مدرسه علاوه بر تبیین آموزه‌های مکتب امامیه، به استنباط، تبیین، اثبات و دفاع استدلالی و علمی از باورهای اعتقادی این مکتب می‌پرداخت.

یکی از نقاط مرکزی عراق که موقعیت جغرافیایی مناسبی در بین کوفه و بغداد داشت، فرصت لازمی را برای سیف الدوله صدقه بن منصور بزرگ طائفه بنی مزید و سومین امیر طائفه بنی مزید فراهم ساخت؛ تا به واسطه اتحاد با برخی از قبائل غیرعرب ساکن در آن منطقه سروری قبيله بنی اسد را در دست بگیرد و با استفاده از موقعیت سیاسی و اقتصادی، شهری جدید به نام حله را در سال ۴۹۵ق در منطقه جامعیتین بنا نهد و قبيله خود را به شهرنشینی ترغیب کند.

با بناشدن شهر حله علما و دانشمندان امامیه هم که بعد از افول مدرسه شیعی بغداد، دنبال شهری مناسب برای درس و بحث خود بودند به سرعت از شهرهای مختلف به آن روی آوردند و بستر شکل‌گیری مدرسه‌ای را در حله رقم زدند. پیشینه علمی مدرسه حله به مدارس بغداد، نجف و ری بر می‌گردد. این مدارس سهم مهمی در تحرک بخشیدن به چرخ علم و دانش در مدرسه حله داشتند.

بعدها در قرن ششم هجری در فضای علمی و فرهنگی این شهر مدرسه‌ای به وجود آمد که تا سه قرن بعد به عنوان مرکز علمی و فرهنگی امامیه مورد توجه خاص علما و اندیشمندان قرار داشت.

### ۱. عوامل مهم در ایجاد شکل‌گیری حله

- حمایت‌های آل‌بویه: پادشاهان آل‌بویه که مذهب شیعه داشتند؛ با حمایت از قبیله بنی مزید، موقعیت سیاسی این قبیله را ارتقاء دادند و همین امر باعث شد که بزرگان این قبیله به مقامات بالای سیاسی برسند<sup>۱</sup> تا بعدها زمینه مناسبی برای سیف الدوله به عنوان امیر قبیله بنی اسد، برای ساخت شهر حله فراهم شود.

- موقعیت مناسب جغرافیایی: منطقه حله در بین راه تجارتنی و زیارتی شمال به جنوب بین‌النهرین قرار گرفته بود و از نظر اقتصادی موقعیت ممتازی داشت.

۳۱

- حمایت شیعیان بغداد: تسخیر بغداد از سوی سلجوقیان سنی مسلک و سقوط آل‌بویه که بیش از یک قرن به ترویج مذهب شیعه پرداخته بود، فرصتی برای سنیان فراهم آورده بود که به کینه گذشته، شیعیان را مورد تهاجم قرار دهند. قتل عام و سرکوب شیعیان و علما تنها نمونه‌هایی از این سرکوب‌ها بود. شیعیان با این که هنوز هم از قدرت بالایی برخوردار بودند و حمایت امرایی چون امیرالدوله سیف را داشتند در صدد سازمان دهی شیعیان پراکنده بودند و از حرکت‌های شیعی حمایت می‌کردند و به همین موضوع امارت سیف الدوله را به محور مرکزی شیعیان عراق تبدیل کرده بودند و وی را در تاسیس شهر حله یاری می‌کردند.

- حمایت خلفای فاطمی: حمایت خلفای فاطمی از شیعیان عراق از عواملی بود که بانیان شهر حله قدرت بر تاسیس آن پیدا کنند. شاهزادگان سلجوقی به هنگام درگیری‌های داخلی با یکدیگر، برای دوری از برخورد نظامی با فاطمیان، جانب احتیاط را نگیه می‌داشتند و به همین دلیل بود که «دبیس» یکی از امرای بنی مزید به هنگام درگیر طغرل بیک با برادرش، نام خلفای عباسی را از خطبه

انداخت و به نام خلفای فاطمی خطبه خواند<sup>۱</sup> و سلاجقه نتوانستند اقدامی علیه وی انجام بدهند.

- اختلاف حکمرانان سلجوقی: هرچند در ابتدا سلاجقه در زمان فتح بغداد از اتحاد خوبی برخوردار بودند اما با گذشت زمان دچار اختلافاتی شدند و به چند شاخه تقسیم شدند. سلاجقه روم، سلاجقه شام و سلاجقه عراق از نمونه این شاخه‌ها بود و هرکدام از این شاخه‌ها در داخل نیز با اختلافات شاهزادگان دست به گریبان بود و همین امر فرصت مناسبی فراهم آورده بود که حکومتی محلی، چون امارت امیرسیف الدوله قوت گرفته و فرصت لازم برای عرض اندام داشته باشد.

۳۲

## ۲. تاسیس حوزه علمی حله

بعد از شکل گیری شهر حله، این شهر به شهر امنی برای بسیاری از بزرگان، تجار، دانشمندان و علمای شیعه شد. استقبال امرای بنی مزید از این مهاجرت هم تاثیر زیادی بر رونق گرفتن علوم اسلامی در این شهر و تاسیس حوزه حله شده بود.<sup>۲</sup>

به گواه تاریخ بنیان گذار شهر حله علاوه بر شعور سیاسی و قدرت مالی و نظامی، از شعور بالای علمی و فرهنگی برخوردار بوده است و اشتیاق فراوانی برای گسترش علوم اسلامی از خود نشان می‌داد. وی کتابخانه‌ای بزرگ آماده کرده بود و هزاران جلد در آن کتاب فراهم نموده بود.<sup>۳</sup>

مدرسه‌ای که در حله تاسیس می‌شد، در حقیقت وارث حوزه علمیه بغداد دوم، نجف اول و مرکز علمی ری بود و تحت تاثیر علمای این دو حوزه، یعنی

۱. ر.ک. همان

۲. ر.ک. معجم البلدان ج ۲ ص ۲۹۴

۳. الکامل. حوادث سال ۵۰۱

مکتب درسی شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی بود. هرچند حوزه‌های علمیه قم و نجف به عنوان حوزه‌های خالص شیعی قبلا وجود داشتند، ولی می‌توان ادعا کرد که مدرسه حله از حیث خلوص و جامعیت علمی و استقلال فرهنگی، سیاسی و گستردگی، تکامل یافته تر از این دو حوزه بود و اولین محصول چشمگیر آن عالمی چون ابن‌ادریس بود که به تبعیت از استادش ابن‌زهره، اجتهاد در گستره مباحث فقهی را احیاء نمود.

اوضاع سیاسی ممالک اسلامی و حکومت ظالمانه سلاجقه متعصب، فرصتی برای رشد حوزه‌های علمی شیعه نداده بود و علمای شیعه دیگر فرصت و امکاناتی را که در حوزه بغداد داشتند، دارا نبودند و همین امر سبب رکود علمی حوزه‌های شیعی شده بود تا این که شهر حله بنیان نهاده شد و این فرصت علمی پیش آمد و علمایی چون ابن‌ادریس راه بسته اجتهاد را باز و علوم را احیاء کردند. حوزه حله حدود سیصد سال به حیات مستقل خود ادامه داد و بزرگانی چون ابن‌ادریس، محقق حلی، ابن‌طاووس، علامه حلی، فخرالمحققین، فاضل مقداد، ابن‌فهدحلی، خاندانی چون آل‌سعید و ابن‌طاووس را تربیت و به جهان اسلام تقدیم نمود.

### ۳. خصوصیات مدرسه حله

گرچه حوزه حله مشترکاتی با حوزه‌های چون مدینه، کوفه، بغداد و قم را دارد ولیکن خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را هم دارد. به چند مورد از این ویژگی‌ها در ذیل اشاره می‌کنیم:

#### ✓ ۱-۳ نهادینه شدن جایگاه مرجعیت

در احادیث ائمه<sup>۱</sup> معصومین علیهم‌السلام تاکید شده است که در زمان غیبت برای امور و حوادث واقعه به راویان و فقیهان امت که حافظان دین و مخالف

۱ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱. باب عدم جواز تقلید غیرالمعصوم. الاحتجاج ج ۲، ص ۴۵۸



هوای نفس هستند مراجعه شود.<sup>۱</sup> همین امر باعث شده بود که در این دوره رهبری شیعیان را هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ دینی و علمی، علماء برعهده داشته باشند و تا زمان رونق یافتن مدرسه حله هم این رهبری ادامه داشت. با توجه به این که مفهوم راویان حدیث خیلی واضح و روشن نبود، مصادیق متعددی را شامل می شد و کم کم شفاف تر و روشن تر شد و به مرز مجتهد و مقلد و مساله اعلییت پیش رفت. پس مرجعیتی که در قم اول پیدا شده بود و در بغداد دوم رشد یافته بود، در حوزه حله نهادینه شد.

### ✓ ۲-۳ جامعیت علمی

در حوزه حله، علاوه بر علوم نقلی، علوم عقلی نیز جایگاه ویژه ای داشت و فقه، اصول، کلام، فلسفه، ادبیات، رجال، درایه و دیگر علوم در کنار هم از بالندگی بسیاری برخوردار بودند.

### ✓ ۳-۳ ارتباط گسترده با سایر حوزه های علمی

مدرسه حله با سایر مراکز علمی، اعم از شیعه، همانند بحرین، لبنان، قم، و استرآباد و همچنین مراکز علمی اهل تسنن رابطه گسترده ای داشت و شاگردان بسیاری را از این مراکز به سوی خود جذب می کرد.

### ✓ ۴-۳ وجود کتابخانه های بزرگ

در شهر حله کتابخانه های بزرگی وجود داشت که در شهرها و مراکز علمی دیگر کمتر به چشم می خورد. در تاریخ حله بیان شده که در هنگام و رود مغول به عراق، اهالی حله مواد غذایی بغداد را تامین می کردند و با پول آن کتاب های نفیس را خریداری و به حله می آوردند.<sup>۲</sup> همین کتابخانه ها در رونق علمی مدرسه

۱ وسایل الشیعه ج ۱، ص ۶۷ باب اختلاف الحدیث، التهذیب، ج ۶، ص ۳۰۱

۲ ر.ک: تاریخ الحله ج ۱، ص ۷۵.

حله نقش بسیار مهمی داشته و این شهر را به مرکزی علمی برای مشتاقان خود قرار داده است.

### ✓ ۳-۵ گسترش علم رجال

علم رجال در حوزه‌های شیعه بعد از شیوع فهرست نگاری رواج پیدا کرد و شیخ الطائفه آن را رونق داد. اما بعد از ایشان، این رونق از بین رفت تا این که با تاسیس حوزه حله این علم هم رونق تازه‌ای گرفت و رجال‌نویسی حرفه‌ای در این حوزه به اوج خود رسید. کتاب‌های رجالی علامه حلی و ابن داود، نمونه‌هایی از این تالیفات برجسته هستند.<sup>۱</sup>

### ✓ ۳-۶ تحول در علم درایه

محمدامین استرآبادی در کتاب خود علامه حلی را متهم می‌کند که ایشان بیشتر احادیث را با تقسیم چهار گانه احادیث، غیر صحیح می‌داند؛<sup>۲</sup> لکن توجه نمی‌کند که اولین کسی که درباره علم درایه کتاب نوشت ابن طاووس استاد علامه حلی و ابن داود حلی بود و همو بود که اصطلاح جدید، یعنی تقسیم خبر واحد به اقسام چهارگانه را مصطلح کرد.<sup>۳</sup> بنابراین تعبیر درست این است که بگوییم علم درایه برای اولین بار در مدرسه حله، استقلال یافته و به صورت مستقل رشد و تکامل یافت.

ظاهراً انتقاد اصلی استرآبادی متوجه مدرسه حله است که در آن کلام، حدیث و فقه امامی، از حیث روشی و کلامی از اهل سنت متأثر گشته و اگر به علامه حلی انتقاد وارد می‌کند، به دلیل این است که ایشان را نماینده این مدرسه به حساب می‌آورد.

۱. ر. ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۱۲۳-۱۱۴

۲. ر. ک: الفوائد المدنیه، ص ۳

۳. ر. ک: اصول الحدیث واحکامه ص ۹، ۴۵



### ✓ ۷-۳ گسترش علم اصول فقه

تا قبل از دوره غیبت فروع و مسائل مستحدثه را با مراجعه مستقیم به اهل بیت علیهم السلام حل و فصل می کردند. با آغاز دوره غیبت این روال دچار بحران شد و علمای شیعه هم به دو گروه تقسیم شدند:

عده ای همچون ابن جنید و ابن ابی عقیل به جای روی آوردی به اصول فقه شیعی، اصول فقه اهل سنت را سرمشق خود قرار داده و فقه شیعی را برپایه چنین اصولی بنا کردند.

عده ای دیگر همچون شیخ صدوق و ابن قولویه تلاش می کردند که روال معمول در زمان حضور اهل بیت علیهم السلام را ادامه داده و از قواعد اصول متکی بر ادله عقل عملی پرهیز کنند.

نتیجه ای که می توان گرفت این است که این دو روش مجزا به نوعی افراط و تفریط است و قطعاً نمی توانست ماندگار بماند و نیازهای شیعه را هم تامین نمی کند. به همین دلیل شیخ مفید این دو رویکرد را جمع و هر دو را تعدیل کرد. وی ابتدا لزوم استفاده از اصول فقه را اثبات و سپس برای احیاء آن بر اساس مکتب تشیع تلاش خود را آغاز کرد و با تالیف کتاب تذکره باصول الفقه این امر را نهادینه کرد. شاگرد اوسید مرتضی کتاب الذریعه را در علم اصول نوشت و شاگرد دیگرش شیخ الطائفه نیز به تالیف عده الاصول پرداخت. بدین ترتیب دوره رونق اصول فقه آغاز شد تا حمله سلجوقیان به بغداد و قلع و قمع شیعیان، این رونق به انزوا رفت.

با تاسیس مدرسه حله، این علم از انزوا خارج شد و علمای بزرگی در این زمینه تربیت شدند به گونه ای که علامه حلی در این زمینه بیش از هفت عنوان کتاب تالیف کرده است.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: مقدمه محمدصادق بحر العلوم بر کتاب رجال العلامة الحلی، ص ۲۴.



در حوزه بغداد، تفکیک بین اصول فقه و اصول دین که همان کلام است زیاد روشن و واضح نبود اما در حوزه حله مرزهای بین این دو واضح و روشن شد و کمتر بین این دو مباحث خلط می‌شد.

#### ۴. شکل‌گیری مدرسه کلامی حله

با تاسیس حوزه حله، دو جریان کلامی از خارج وارد این حوزه شده است: اولین آن‌ها جریان کلامی متکلمان فقیه حوزه بغداد دوم و سپس ری است که تا حدودی از فضای معتزله زده بغداد متأثر بود. و دیگری جریان کلامی متأثر از فلسفه، به خصوص فلسفه مشاء بود که خواجه نصیرالدین طوسی از طریق شاگردانش و ابن‌میثم بحرانی خود به صورت مستقیم آن را وارد حوزه حله کردند.

در اینجا قبل از پرداختن به جریان‌ها و مکاتب کلامی نام چند تن از اندیشمندان اسلامی که در تاسیس و شکل‌گیری این مدرسه کلامی نقش داشتند را نام ببریم:

#### ❖ ۴-۱ ابن‌ادریس حلی (م ۵۹۸ق)

محمد بن احمد بن‌ادریس معروف به ابن‌ادریس به دلیل فتاوای شاذ و همچنین از بین بردن رکود علمی، بعد از شیخ طوسی شهرت یافته است را می‌توان یکی از موسسان علمی مدرسه حله نامید. مهم‌ترین اثر مشهور و تاثیرگذار ایشان، کتاب فقهی سرائر است.

ابن‌ادریس خبر واحد را حجت نمی‌داند و تنها خبر متواتر یا خبر مقرون به قرائن قطعی را حجت می‌داند و در آثار خود به چنین احادیثی استناد می‌کند. اساتیدش مثل شهر آشوب و ابن‌زهره هم نیز همچین عقیده‌ای داشتند و قبل از آنان هم سیدمرتضی چنین دیدگاهی داشت. شاید یکی از دلائلی که ابن‌داود حلی



ابن‌ادریس را در بخش ضعفا نام می‌برد این باشد که معتقد بود ابن‌ادریس به طور کلی از احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام روی گردانده است. گرچه در ابتدای امر این نگاه تند به احادیث به ذوق می‌زند و دارای نقد می‌باشد اما دارای این مزیت بود که زمینه را برای رشد مباحث اصولی و عقل‌گرایی کلامی آماده می‌کرد و فرصت بروز و ظهور مکاتب کلامی و عقلی را مهیا می‌ساخت.

#### ❖ ۲-۴ شیخ سدیدالدین محمود حمصی (حدود ۶۰۲ق)

ایشان از متکلمان مشهور مرکز علمی ری در قرن ششم بود و برای مدتی بعد از بازگشت از سفر حج در حله به درخواست بزرگان حله ماندگار شد تا یک دوره کلام را برای طلاب حله تدریس کند و از جمله بنیان‌گذاران مدرسه کلامی حله می‌توان از ایشان نام برد. نتیجه حضور ایشان در حله منتهی به نگارش کتاب کلامی المنقذ من التقليد شد.

امتیازهایی را برای کتاب المنقذ من التقليد ذکر کرده اند که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

- نقل اقوال، به ویژه اقوال و دیدگاه‌های معتزله و به طور خاص شخصیت‌هایی مانند: نظام، ابوعلی، ابوالحسین، ... و اشاعره و اقوال و آرای ابوالحسن اشعری، از جمله نظریه کسب را نیز مورد نظر داشته است.
- بررسی شبهه‌های وارده و حتی احتمال‌های متصوره در مباحث
- دسترسی به منابع کلامی، در موارد متعددی از الذخیره و برخی از رساله‌های کلامی سیدمرتضی، تمهید الاصول و الاقتصاد شیخ طوسی و الفائق زمخشری نام برده است.
- استفاده از آیات و احادیث شریف به طور مکرر و متعدد

➤ نقد دیدگاه‌های رقیبان و مخالفان<sup>۱</sup>

❖ ۳-۴ محقق حلی (م ۶۷۶ق)

جعفر بن حسن بن یحیی معروف به محقق حلی (۶۰۲ - ۶۷۶) نزد پدرش حسن حلی، سیدعلی بن حسن عریضی و... درس آموخت و به مقام مدرسی این حوزه نائل آمد. در اثر تلاش‌های علمی وی حوزه حله از مرحله تاسیس به مرحله تثبیت و توسعه وارد شد و گفته شده از مجالس درس وی بیش از چهارصد مجتهد فارغ التحصیل شده اند<sup>۲</sup> و خواجه نصیرالدین طوسی در مسافرت به حله سری هم به درس ایشان زده است.

از شاگردان و درس آموختگان ایشان می‌توان به علامه حلی، ابن طاووس، محمد بن علی کاشفی و ... اشاره کرد.

مهم‌ترین تالیف ایشان *المسلک فی اصول الدین*<sup>۳</sup> است که متکلمان بدان توجه داشته اند. البته ایشان در این کتاب، همانند حمصی تحت تاثیر جریان کلامی متکلمان بغداد دوم است<sup>۴</sup> و کتاب خودش را به چهار بخش اصلی خداشناسی، افعال الهی، نبوت و امامت تنظیم کرده است. بحث معاد را نیز ذیل بخش دوم، یعنی افعال الهی آورده است. این شیوه بعدها از رونق افتاد و بحث معاد به بعد به مباحث امامت منتقل شد.

❖ ۴-۴ خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ق)

۱. ر.ک: سیر تطور کلام شیعه، ص ۲۷۰ و ۲۷۱

۲. تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۰۵ و ۳۰۶

۳. ریحانه الادب، ج ۵، ص ۲۳۵

۴. *المسلک فی اصول الدین*، ج ۱، ص ۱۴۳

محمد بن محمد بن حسن طوسی (۵۹۷-۶۷۲ق) با آن که در طوس به دنیا آمده است ولی اصالتی قمی دارد. او فقه و حدیث را نزد پدرش و منطق و حکمت را نزد دایی‌اش نورالدین علی بن محمد شیعی و ریاضیات را نزد کمال‌الدین محمد آموخت؛ سپس به نیشابور رفته و در درس سراج‌الدین قمری، قطب‌الدین سرخسی و ابوالسعادت اصفهانی حاضر شده است.

ایشان مدتی به در خواست امام اسماعیلیه نزاریه، به میمون دژ، در نزدیکی قزوین منتقل شد و بعد از سقوط قلعه‌های اسماعیلیان وارد دستگاه حکومتی ایلخانان شد. یاری کردن ایلخانان در ساختن دولت و ملت جدید<sup>۱</sup> در فلات ایران، نجات زندگی دانشمندان و نیز حفظ کتاب و کتابخانه‌ها از مهم‌ترین کارهای خواجه در دوره همکاری با ایلخانان است.

علامه حلی، ابن‌میثم بحرانی، قطب‌الدین شیرازی و سیدرکن‌الدین شیرازی استرآبادی از شاگردان ایشان می‌باشند و رساله الفرقه الناجیه، رساله الحصر الحق بمقاله الامامیه، الاثنی عشریه، رساله فی الامامه، تجرید الاعتقاد، شرح اشارات، قوائد العقائد و آغاز و انجام از کتاب‌های مهم ایشان در علم کلام به شمار می‌آیند. مرحوم خواجه، بعد از نقد کتاب المحصل فخر رازی، دست به تالیف تجرید الاعتقاد زد تا کسانی که به دنبال به دست آوردن عقیده حق هستند به جای مراجعه به المحصل به این کتاب مراجعه کنند. این کتاب در شش مقصد امور عامه، جواهر و اعراض، اثبات صانع و صفات او، نبوت، امامت و معاد تنظیم شده است که از مهم‌ترین و مختصرترین کتب در توضیح و اثبات عقائد امامیه است و نقش کلیدی در سیر تطور کلامی امامیه دارد.

■ ۴-۴-۱ روش کلامی خواجه نصیرالدین طوسی

مباحثی از قبیل منطق و فلسفه، قبل از ورود به مباحث کلامی از سوی نوبختیان ابداع شده بود. مرحوم خواجه شاید بتوان گفت تحت تاثیر اسماعیلیان این شیوه را توسعه داد. قبل از نوشتن کتاب تجرید الاعتقاد، تجرید المنطق را تالیف کرد و قبل از پرداختن به مباحث کلامی خداشناسی، نبوت، امامت و معاد، مباحث مربوط به وجود و ماهیت، علت و معلول، وجوب و امکان، یعنی مباحث فلسفه اولی را ارائه کرد و در تبیین مسائل کلامی از قواعد و دلائل فلسفه مشاء استفاده نمود در میان فلسفه مشاء و کلام شیعی تلفیقی به وجود آورد که بعدها سبب اختلاط فلسفه و کلام در میان متکلمان شیعه شد، البته این توضیح لازم است که نمی‌توان خواجه را تابع محض ابن‌سینا دانست؛ چراکه در بسیاری موارد با فلاسفه مخالفت می‌کند. او عالم را حادث می‌داند، نه قدیم و ادله اثبات وجود عقل مفارق را ناکافی و قابل ایراد می‌داند.

❖ ۴-۵ ابن‌میشم بحرانی (م ۶۷۹ یا ۶۹۹ق)

کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی در بحرین پا به عرصه وجود نهاد. با مهاجرت به عراق، نزد کمال‌الدین علی بن سلیمان بحرانی، محقق حلی و خواجه نصیرالدین طوسی تلمذ کرد. سپس به بحرین بازگشت و باز به دعوت دانشمندان حله دوباره به عراق مراجعت نموده و بین سال‌های ۶۶۵ تا ۶۷۵ ق در حله اقامت گزید. سیدعبدالکریم بن طاووس حلی و علامه حلی و... از دانش‌آموختگان کلاس کلامی ایشان هستند. شرح نهج البلاغه به سفارش جوینی و قواعد المرام فی علم الکلام به درخواست عبدالعزیز بن جعفر نیشابوری نگاشته است<sup>۱</sup>. از دیگر تالیفات او به النجاه فی القیامه می‌توان اشاره کرد که رساله‌ای در باب امامت نیز از نگاشته‌های ایشان است.

○ ۴-۵-۱ روش کلامی ابن‌میشم

۱ قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۲۰

او روشی همانند خواجه داشت و پیرو روش خواجه در تجرید الاعتقاد است و سعی می‌کند خود را متکلمی عقل‌گرا نشان بدهد. او معرفت و شناخت خدا را عقلاً واجب می‌داند و بر آن است که این معرفت از روی تقلید و به موجب نقل، قابل حصول نیست. وی همچون فلاسفه، مناط نیاز ممکن به موثر را امکان می‌داند<sup>۱</sup> و در مبحث صفات، همانند متکلمان عقل‌گرا به عینیت صفات با ذات معتقد است<sup>۲</sup> ولی در بحث قدرت واجب با تعریف متکلمان مخالفست کرده، اما تعریف فلاسفه را می‌پذیرد.<sup>۳</sup> در عوض در بحث علم باری تعالی به مخالفت با فلاسفه می‌پردازد.<sup>۴</sup> او همچنان مانند متکلمان، عالم را حادث معرفی می‌کند.

نقش ایشان در سیر تطور کلام امامیه در مدرسه حله، همانند نقش خواجه و حمصی راهبردی نیست، اما نمی‌توان از نقش مکمل ایشان که تکمیل‌کننده روش نوبنیاد خواجه بود چشم‌پوشی کرد.

#### ۵. تثبیت و توسعه حوزه حله

اگر تمدن اسلامی را مورد بررسی دقیق قرار دهیم، می‌توان آن را به دو بخش مجزا تقسیم کرد: دوره اول که از صدر اسلام شروع می‌شود، در دوره آل‌بویه و در قرن چهارم به اوج شکوفایی خود می‌رسد و از همین زمان هم رکودش آغاز می‌شود تا این که در حمله اول مغول به جهان اسلام برای قتل و غارت آغاز می‌شود و این پایان دوره اول تمدن مسلمانان به شمار می‌آید.

دوره دوم حمله مغول به جهان اسلام برای تشکیل حکومت و باقی‌ماندن در ممالک اسلامی به رهبری هلاکوخان و سقوط خلافت عباسی آغاز می‌شود و اوج

۱. ر. ک: قواعدالمرام، ص ۴۸

۲. همان، ص ۶۳

۳. همان، ص ۸۳

۴. همان، ص ۹۸

قرن دهم و سروری امپراطوری‌های صفویه در فلات ایران، عثمانی رد غرب ممالک اسلامی، و اروپای شرقی و بابریان در شبه قاره هند است و بعد از آن رکود و سقوطش آغاز می‌شود تا این که در جنگ جهانی اول، با سقوط عثمانی و قاجاریه به انتها می‌رسد و البته امکان آغازی دوباره، مهیا می‌شود. در نتیجه قرن هفتم، قرن پایان دوره قدیم و آغاز دوره جدید است. در این دوره نهادهای قدرت مخالف شیعه تضعیف شدند و فرصت احیاء و تقویت مدارس شیعی، ایجاد شد. جامعه شیعی از زیر فشارهای سیاسی، اجتماعی مخالفان تا حدودی رهایی یافت و به استعدادهای شیعی، فرصت شکوفایی داد.

حوزه حله که در سال‌های اول این گذار و تحول بود به خوبی توانست وظیفه خود را انجام داده و با تثبیت و توسعه علوم در مدارس خود، رونق دانش را سرزمین‌های اسلامی به جریان در آورد.

#### ۶. جریان‌های کلامی در حوزه حله

بعد از معرفی مدرسه حله و متکلمان و دانشمندان آن، سراغ بررسی مکاتب کلامی در این مدرسه می‌رویم. طبیعی است که در این مدرسه، به تبع متکلمان موسس، دو جریان و مکتب کلامی (متکلم و محدث) و (متکلم و فیلسوف)، حضور فعال داشته باشند.

#### ➤ ۱-۶ جریان محدثان متکلم

حوزه‌های مدینه، کوفه، بغداد اول و قم اول بر زیرساخت‌های حدیثی بنا شده بودند و محدثان این مراکز هم به کلامی توجه داشتند؛ که مبتنی بر حدیث بوده است. این شیوه، گرچه در عصر بغداد دوم و نجف اول کم‌رونق شد، ولی در فاصله بین حوزه نجف اول و حوزه حله با تلاش دانشمندانی همچون طبرسی و قطب راوندی احیاء شده، به هنگام تاسیس حوزه حله جانی گرفت. از میان



دانشمندان حلی چند تن نقش مهمی در رشد روش حدیثی - کلامی داشتند که در ذیل به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم:

✓ ۶-۱-۱ ابن بطریق حلی (م ۶۰۰ ق)

یحیی بن حسن بن حسین اسدی حلی، معروف به ابن بطریق حلی، در سال ۵۳۳ق، در حله به دنیا آمد و با این که بعدها از حله به بغداد مهاجرت کرد و بعد از عمری تلاش علمی در سال ۶۰۰ق، در ۶۷ سالگی وفات یافت، همچنان باعنوان حلی شناخته می‌شد.<sup>۱</sup>

از ابن بطریق حلی آثاری بر جای مانده است. بیشتر آثار او جمع بین روایات و نظرات شیعه و سنی است. او در تألیف برخی از کتاب‌های خویش تنها از منابع اهل سنت استفاده کرده است. از جمله تألیفات ابن بطریق عبارتند:

عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار معروف به کتاب «العمدة»، المستدرک المختار فی مناقب وصی المختار، خصائص الوحی المبین فی مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، اتفاق صحاح الاثر فی امامة الائمة الاثنی عشر، تصفح الصحیحین فی تحلیل المتعین، الرد علی اهل النظر فی تصفح ادله القضاء و القدر، ابطال شبهة المتاولین لنص ولایة امیر المؤمنین علیه السلام، نهج العلوم الی نفی المعدوم بسؤال اهل حلب، عیون الاخبار، رجال الشیعة، المناقب.

✓ ۶-۱-۲ علی بن موسی بن طاووس حلی (م ۶۶۴ ق)

ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس حلی ملقب به رضی الدین، از خاندان طاووس بود؛ از این رو به سید ابن طاووس مشهور است. ابن طاووس پنج شنبه ۱۵ محرم سال ۵۸۹ق در شهر حله عراق متولد شد.<sup>۲</sup>

۱ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۵

۲ کمونه حسینی، موارد الإتحاف، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۸.



سید ابن طاووس دوشنبه ۵ ذی القعدة ۶۶۴ق در سن ۷۵ سالگی در حله درگذشت. هرچند خود سید ابن طاووس در کتاب فلاح السائل نوشته است که برای خودش قبری در کنار مرقد امیرالمؤمنین آماده کرده و خودش بر آماده‌سازی قبر نظارت کرده است؛<sup>۱</sup> اما بارگاه و مرقد منسوب به وی در شهر حله قرار دارد. سید ابن طاووس تحصیل را در شهر حله آغاز و از پدر و جد خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت. پس از دو سال و نیم آموختن فقه، خود را از استاد بی نیاز دید.<sup>۲</sup> بعدها او مدت زیادی در بغداد زندگی کرد و در آنجا نیز به تحصیل و تدریس پرداخت.<sup>۳</sup>

از اساتید ابن طاووس به پدرش موسی بن جعفر، جدش ورام بن ابی فراس حلی، ابن نما حلی، فنخار بن معد موسوی می‌توان اشاره نمود. سدیدالدین حلی (پدر علامه حلی)، علامه حلی، حسن بن داوود حلی، عبدالکریم بن احمد بن طاووس، علی بن عیسی اربلی هم از شاگردان ایشان هستند.<sup>۴</sup> ابن طاووس حدود ۵۰ تألیف دارد که بسیاری از آنها در موضوعات دعا و زیارت‌اند. او کتابخانه‌ای غنی داشته که حدود ۱۵۰۰ کتاب در آن وجود داشته<sup>۵</sup> و در تألیف کتاب‌های خویش از آنها استفاده کرده است. برخی از آثار او چنین‌اند: اللهوف علی قتلی الطفوف (یا الملهوف)، مصباح المتهجد، اقبال الاعمال، کشف المَحَجَّة و محاسبة النفس.

۱. ک: سید بن طاووس، فلاح السائل، ۱۴۰۶ق، ص ۷۳-۷۴.

۲. سید بن طاووس، کشف المحججه، ۱۳۶۸ش، ص ۱۸۵.

۳. کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۳۷۱ش، ص ۲۳-۲۴.

۴. آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه (قرن السابع)، ۱۹۷۲م، ص ۱۱۷.

۵. کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۳۷۱ش، ص ۱۳۲.

ابن طاووس بیشتر به مسائل معنوی علاقمند بود. به همین خاطر اکثر آثار وی درباره ادعیه و مناجات بوده است.<sup>۱</sup> اتان کلبرگ نیز معتقد است علاقه ابن طاووس به مسائل معنوی، باعث نگارش این نوع آثار بوده است.<sup>۲</sup> کتاب *كشف المحجة لثمره المهجة* - کتابی در وصایا و موعظه‌های اخلاقی به زبان عربی که وصیت ایشان به فرزندان است - مورد توجه ما است. در این کتاب، ضمن نقل برخی از روایات، به تبیین مسائل اعتقادی و اخلاقی و تاریخی پرداخته است و سعی کرده فهم خود را از دین اسلام برای فرزندان به یادگار بگذارد.<sup>۳</sup>

۴۶

این کتاب، با نگاه به تلاش‌های دیگر ابن طاووس، نماد تلاش سید برای پیرایش و ویرایش مدرسه علمی امامیه از تاثیر سایر مکاتب و مدارس اسلامی است. سید در واقع سعی می‌کند نظام فکری را که هشام بن حکم، هشام بن سالم و ابن ابی عمیر و ... را دوباره احیاء کند و اضافاتی را که تحت تاثیر معتزله، اهل حدیث، مشایی‌ها و در این اواخر اشعریه بر دامن مدرسه امامیه افزوده شده اند، بزدايد.<sup>۴</sup> گرچه این کار ایشان نیازمند زمانی طولانی بود به طور کامل موفق نیست و در این حوزه نتوانست به کمال برسد.

➤ ۶-۲ جریان دوم. جریان متکلمان متأثر از فلسفه مشاء

✓ ۶-۲-۱ علامه حلی (قرن ۷)

۱ جعفریان، «ادب دعا در شیعه»، ص ۲۱۴.

۲ کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۳۷۱ش، ص ۴۳.

۳ ر. ک: *كشف المحجة*، ص ۴۸

۴ ر. ک: همان، ص ۷۲ و ۵۱

حسن بن یوسف بن مطهر حلی، معروف به علامه حلی در شب جمعه ۲۹ رمضان سال ۶۴۸ قمری در شهر حله به دنیا آمد.<sup>۱</sup> پدرش یوسف بن مطهر از متکلمان و عالمان علم اصول در حله بود.<sup>۲</sup> او چند سال بیشتر نداشت که با راهنمایی پدرش برای یادگیری قرآن به مکتب رفت و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت. سپس مقدمات و ادبیات عرب و علوم فقه، اصول فقه، حدیث و کلام را نزد پدرش و دایی اش محقق حلی آموخت. او در ادامه، علوم منطق، فلسفه و هیئت را نزد اساتید دیگر، به‌ویژه خواجه نصیرالدین طوسی فراگرفت و قبل از رسیدن به سن بلوغ به درجه اجتهاد رسید. علامه حلی به سبب کسب فضیلت‌های بسیار در سن کم در نزد خانواده و دانشمندان به جمال‌الدین مشهور شد.<sup>۳</sup>

به تنی چند از اساتید ایشان در ذیل اشاره می‌کنیم:

شیخ یوسف سدیدالدین (پدرش)، محقق حلی، سید بن طاووس (۶۶۴-۵۸۹ق)، سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق)، محمد بن علی اسدی، یحیی بن سعید حلی (م ۶۹۰ق)، مفیدالدین محمد بن جهم حلی، ابن میثم بحرانی (۶۷۹-۶۲۶ق)، جمال‌الدین حسین بن ایاز نحوی (م ۶۸۱ق)، محمد بن محمد بن احمد کشی (۶۹۵-۶۱۵ق)، نجم‌الدین علی بن عمر کاتبی (م ۶۷۵ق)، برهان‌الدین نسفی، شیخ فاروقی واسطی، شیخ تقی‌الدین عبدالله بن جعفر کوفی.

برخی از شاگردان او عبارت‌اند از: محمد بن حسن بن یوسف حلی، فخرالمحققین (فرزند علامه)، سید عمیدالدین عبدالمطلب (خواهرزاده‌اش)، سید

۱ علامه حلی، رجال العلامه، ۱۹۶۱م، ص ۴۸.

۲ اشمیتکه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴.

۳ گلشن ابرار، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۳۸.

ضیاءالدین عبدالله حسینی اعرجی حلی (خواهرزاده‌اش)، سید محمد بن قاسم حسینی مشهور به ابن معیه، رضی‌الدین ابوالحسن علی بن احمد حلی، قطب‌الدین رازی، سید نجم‌الدین مهنا بن سنان مدنی، تاج‌الدین محمود بن مولا، تقی‌الدین ابراهیم بن حسین آملی، محمد بن علی جرجانی.<sup>۱</sup>

علامه حلی در علوم مختلفی چون فقه، اصول فقه، کلام، حدیث، تفسیر، رجال، فلسفه و منطق آثار بسیاری تألیف کرده است. درباره تعداد این تألیفات اختلاف است. علامه حلی خود در خلاصه الاقوال ۵۷ اثر برای خودش ذکر می‌کند.<sup>۲</sup>

۴۸

سید محسن امین در اعیان الشیعه می‌نویسد: «تالیفات علامه بیش از یکصد کتاب است و من ۹۵ کتاب او را دیده‌ام که بسیاری از آنها چندین مجلدند».<sup>۳</sup> او همچنین می‌گوید: کتاب الروضات: آثار علامه را حدود هزار کتاب تحقیقی دانسته است.<sup>۴</sup> میرزا محمدعلی مدرس نیز در ریحانه‌الادب<sup>۵</sup>، یکصد و بیست اثر و کتاب گلشن ابرار<sup>۶</sup> حدود یکصد و ده اثر برای علامه نام برده‌اند.

از آثار معروف علامه حلی می‌توان به مختلف الشیعه و تذکره الفقهاء در علم فقه، کشف المراد، باب حادی عشر و منهاج الکرامه در علم کلام، خلاصه الاقوال در علم رجال و جوهر النضید در علم منطق اشاره کرد.

۱ مقدمه محمدصادق بحر العلوم بر کتاب رجال العلامه الحلی، ص ۱۷.

۲ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۴۰۲.

۳ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۴۰۲.

۴ همان.

۵ مدرس، ریحانه‌الادب، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۱۷۴.

۶ گلشن ابرار، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۴۴.

علامه دو کتاب در اصول عقاید شیعه به نام های نهج الحق و کشف الصدق و نیز منهج الکرامه را تالیف نموده و به رسم تحفه به پیشگاه اولجایتو برد.<sup>۱</sup>

#### ✓ ۶-۲-۱-۱ شرایط اجتماعی و سیاسی عصر علامه حلی

در زمانی که لشکریان چنگیزخان مغول به سمت ماوراءالنهر حمله آوردند، به ماندن و حکومت کردن در این سرزمین و ممالک اسلامی دیگر نمی‌اندیشیدند و بیشتر به فکر انتقام تاجران مغول کشته شده به دست حاکمان خوارزمشاهی سرخس بودند و برنامه‌ای برای گسترش قلمرو حکومت خود در غرب نداشتند.

آنان شهرها را یکی پس از دیگری فتح و بعد از قتل و غارت از آن عبور می‌کردند و با مرگ چنگیزخان در سال ۶۲۴ ق به سمت آسیای میانه عقب نشینی کردند؛ تا اینکه هلاکوخان نواده چنگیزخان برای مطیع ساختن ملل آسیایی اعزام شد.<sup>۲</sup>

حمله دوم مغول به رهبری هلاکوخان، برخلاف حمله اول هدفمند بود. آنان این بار برای ماندن و حکومت کردن آمده بودند و برای همین لازم بود، مراکز قدرتی که در حمله اول سالم مانده بود از بین ببرند. این مراکز عبارت بودند از: قلعه‌های اسماعیلیه که علاوه بر اینکه در حمله اول سالم مانده بود، بلکه در سایه حمله وحشیانه اول و فروپاشی حکومت خوارزمشاهیان، قدرتی تازه یافته بود و خلفا از حالت دست‌نشانگی دوران آل‌بویه و سلجوقیان، خارج شده و برای خود در عراق، قدرتی شده بودند. هلاکوخان با عبور از جیحون و ورود به خراسان، به آسانی قلعه‌های اسماعیلیه را فتح کرد و با فتح قلعه الموت، به قدرت

۱ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹؛ تهرانی، الذریعه، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۷۲.

۲ تاریخ فتوحات مغول، ص ۱۲۸.

چند صد ساله اسماعیلیه ایران پایان داد<sup>۱</sup> و خود را آماده حمله به بغداد، مرکز خلافت عباسی کرد.<sup>۲</sup>

خلفای عباسی برای یکپارچه ساختن مردم عراق و استفاده از قدرت شیعیان چاره‌ای جز دادن امتیاز به ایشان نداشتند و سعی می‌کردند با دادن برخی مناصب وزارتی به آنان، از این نیرو استفاده کنند. از طرفی هم، فشارهای وارده از سوی اهل سنت متعصب، آنان را در قتل عام شیعیان همراه می‌ساخت و حمله به مناطق شیعه نشین را سرلوحه کار خود قرار داده بودند.

زمانی که هلاکوخان وارد فلات ایران شده بود و به قصد فتح ممالک اسلامی به سمت عراق حرکت می‌کرد، یعنی در سال ۶۵۳ق، خلیفه بغداد به سیف‌الدین قلیچ فرمان داد تا با لشکریان خود به سمت نیل، از توابع حله و زادگاه علقمی وزیر خلیفه یورش برده و آن منطقه را ویران سازد و اموال را غارت و زنان و بچه‌ها را به اسیری ببرد.<sup>۳</sup>

هلاکوخان با استفاده از این فرصت خود را به نزدیکی بغداد رسانده و این شهر را در محاصره گرفت. وی برای جلب نظر شیعیان عراق، نامه‌ای به بزرگان حله و به اسم پدر علامه حلی نوشت و آنان را امان داد برای همین باعث شد که اهل حله، کوفه، کربلا و نجف از قتل و غارت در امان باشند.<sup>۴</sup>

بعد از فتح عراق از سوی هلاکوخان، مناصب دینی و سیاسی برعهده شیعیان گذاشته شد. ابن علقمی حاکم عام عراق شد،<sup>۵</sup> کنترل موقوفات دینی بر عهده خواجه نصیرالدین طوسی گذاشته شد. مردم شیعه عراق، به خصوص حله

۱ جامع التواریخ، ص ۶۹۳-۶۹۸.

۲ همان، ص ۷۰۵.

۳ تاریخ الحله، ج ۱، ص ۶۵.

۴ ر. ک: کشف الیقین فی فضایل امیرالمومنین ع، ص ۸۰.

۵ تاریخ الحله، ج ۱، ص ۷۳.

به استقبال حکومت تازه تاسیس رفتند؛ تا اندکی از قتل و غارت شیعیان از سوی خاندان عباسی کاسته شود.<sup>۱</sup>

سامان دادن به حکومت نوپای ایلخانی مهم‌ترین دل‌مشغولی ایلخانان بود؛ به همین سبب، در اختلافات مذهبی مسلمانان دخالت چندانی نداشتند و سعی می‌کردند همه مذاهب را تحت فرمان خود نگه دارند. با روی کار آمدن غازان خان در سال ۶۹۴ق، وقت آن رسیده بود که حاکمان مغول موضع‌گیری مذهبی و دینی خود را به صورت شفاف، روشن سازند؛ به همین دلیل وی در همان سال آغازین رسمی حکومتش در بیلاق لار با قریب به یکصد هزار نفر مغول به دست شیخ ابراهیم حموی، اسلام اختیار نمود.<sup>۲</sup> و این زمانی بود که علامه حلی حدود ۴۶ سال داشت و مرجعیت علمی و دینی شیعه را عهده دار بود. غازان خان با قبول اسلام دو هدف را دنبال می‌کرد: اولین هدف وی استقلال کامل حکومت ایلخانان مغول از سرزمین مادری بود که با قبول اسلام این امر سهل‌تر می‌شد. دومین هدف وی این بود که از حمایت مسلمانان از حاکمان ممالیک که با احیای خلافت عباسی خود را نماینده اسلام در مقابل مغول‌های کافر معرفی کرده بودند بکاهد و مسلمانان فلات ایران و عراق را به سوی خود جلب کند. بعد از او الجایتو به حکومت رسید و همچون غازان خان اسلام اختیار نموده و پیرو مذهب سنی حنفی گردید.<sup>۳</sup>

شهر حله با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در دوره ایلخانان، همانند جزیره امنی بود که به رشد علمی خود ادامه می‌داد و هر روز بر رونق آن افزوده می‌شد و رهبری این شکوفایی بر عهده علامه حلی بود. اهمیت نقش علامه

۱ جامع التواریخ، ص ۷۱۵.

۲ تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۶۰۴.

۳ ر. ک: تاریخ ایران، ج ۵، ص ۳۷۷.

زمانی بروز پیدا کرد که الجایتو به دست وی مذهب تشیع را پذیرفت و آن را مذهب رسمی قلمرو خود اعلام کرد.<sup>۱</sup>

برخی از نقش‌آفرینی‌های علامه حلی عبارتند از: بازکردن باب گفتگو میان شیعه و اهل سنت، نشر مکتب تشیع در فلات ایران و عراق عرب، مشارکت در تأسیس اولین دانشگاه سیار، رونق‌بخشیدن به تألیف کتاب و کتابداری، تقویت عقل‌گرایی، منطق و فلسفه، استحکام‌بخشیدن به شیوه‌های کلامی خواجه نصیرالدین طوسی.

### ✓ ۶-۲-۱-۲ روش کلامی علامه حلی

۵۲

شخصیت علمی علامه حلی، شباهت زیادی به شخصیت علمی شیخ مفید دارد. ایشان همچون شیخ مفید، محل تلاقی دو جریان کلامی است: اولین جریان مربوط به محدثان متکلم و میراث بزرگانی چون مرحوم کلینی و شیخ صدوق است که گاهی با نوعی تسامح آن را کلام می‌نامند. دومین جریان، همان جریان متکلمان متأثر از فلسفه و اعتزال است و می‌توان آن را به نوعی میراث نوبختی‌ها به شمار آورد.

علامه حلی سبک و روش جدید در حوزه‌های علمی شیعی به وجود آورد که از حیث مفاد بیشتر با جریان اول تطابق داشت، از حیث ساختار، دارای نظامی جدید و شبیه به جریان دوم بود و به نوعی ادامه روش محقق طوسی به حساب می‌آمد. می‌توان این جریان کلامی را عقلی‌ترین و عمیق‌ترین جریان کلامی در دوره بعد از مغول نامید. علامه با این که ساختار فلسفی کلام مطرح شده از سوی نوبختی‌ها و محقق طوسی را می‌پذیرد، با این همه منفعل نبوده و مانند خواجه نصیرالدین طوسی با الهام از سهروردی، درباره قاعده الواحد لایصدر عنه الا

۱ تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۶۱۱.



الواحد، تردید روا داشته<sup>۱</sup> و در مباحث توحید از این قاعده استفاده نمی‌کند<sup>۲</sup> و به نوعی همانند شیخ طوسی عمل می‌کند و علم کلام را از افتادن کامل در قالب فلسفه مشاء باز می‌دارد. بنابراین باید ایشان را تابع شیخ طوسی دانست.

تالیفات علامه حلی در علم کلام به دو دسته تقسیم می‌شود. در بخشی از این تالیفات به بررسی مباحث کلامی می‌پردازد، بدون این که آراء و نظریات شیعه را محور بحث قرار دهد. در این آثار، بعد از طرح هر بحث کلامی، نظریات مکاتب کلامی و متکلمان و ادله اثبات یا رد آنها را ذکر می‌کند و بیشتر به دنبال شرح مسائل است نه اثبات یک نظریه خاص؛ هرچند گاهی رای مورد نظر خود را هم اعلام می‌کند. نمونه‌ای از این تالیفات کتاب کشف المراد است. اما برخلاف این گونه کتاب‌ها ایشان در بخش دیگر تالیفات کلامی خود، آرا و عقاید شیعه امامیه را محور بحث قرار داده و سعی در اثبات عقلی و نقلی آن دارد. کتاب الفین الفارق بین الصدق و المین<sup>۳</sup> و نهج الحق و کشف الصدق نمونه‌ای از این تالیفات است.

علامه حلی در آرای کلامی خود با سه گروه مهم، یعنی اشاعره، معتزله و فلاسفه روبرو است و سعی می‌کند موارد افتراق و اشتراک مکتب امامیه را با این سه گروه تبیین کرده و با استدلال‌های عقلی و نقلی از مواضع این مکتب دفاع کند و به انتقادات و شبهات وارد شده از سوی مخالفین پاسخی در خور و مناسب ارائه کند.

با این همه باید به این نکته نیز اشاره شود که وی به دلیل شرایط زمان خود، یعنی تفوق اشاعره، به دلیل حمایت طولانی مدت خلافت عباسی و سلجوقیان،

۱ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۵۴.

۲ الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب، ص ۱۰۵.

۳ ر. ک: الالفین

در سده‌های پنجم و ششم، در تالیفات خود، به خصوص در مباحث الهیات بالمعنی الاخص، سعی در تقویت مبانی معتزلی دارد<sup>۱</sup> و این سیاست، قرابت‌های زیادی با شیوه صاحب بن عباد دارد. به همین دلیل، نظریات مکتب امامیه را در این گونه تالیفات کمتر مطرح می‌کند مگر زمانی که اختلاف، اساسی و بنیادین باشد. به همین دلیل، نباید حمایت‌های وی از برخی آرای کلامی معتزله را دیدگاه کلامی امامیه و یا حتی خود علامه حلی دانست.

#### ✓ ۶-۲-۲ فخرالمحققین

محمد بن حسن بن یوس بن مطهر حلی مشهور به فخر المحققین (۶۸۲-۷۷۱ق) از فقیهان شیعه در قرن هشتم قمری در شهر حله به دنیا آمد. او فرزند علامه حلی بود و در دوران نوجوانی به درجه اجتهاد رسید. شاید بهتر باشد او را شریک علامه در تربیت شاگرد و تالیف کتاب بنامیم، زیرا بسیاری از شاگردان علامه از شاگردان ایشان به حساب می‌آیند. فخرالمحققین در فقه و اصول فقه و کلام تالیفاتی دارد که بسیاری از آنها تکمیل آثار پدرش علامه حلی است. مشهورترین اثر او «ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد» نام دارد که مورد توجه فقیهان دوره های بعد از او قرار گرفته است. سال درگذشت وی ۷۷۱ هـ ق در سن ۸۹ سالگی است ولی از مزار و مدفن وی اطلاع دقیقی در دست نیست. برخی از شاگردان فخرالمحققین عبارتند از: شهید اول،<sup>۲</sup> سید بدرالدین مدنی، ابن متوج بحرانی (م ۸۴۱ق)، سید حیدر آملی، سید تاج‌الدین بن معیه، ظهیرالدین فرزند خود فخرالمحققین.<sup>۳</sup>

۱ برخی از مولفان اهل سنت به وی لقب معتزلی دادند. ر.ک: الدار الکامنه فی اعیان المانه التامنه

۲ اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۰۰

۳ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، فخرالمحققین حلی فرزند علامه حلی، عقیدتی بخشایشی

فخرالمحققین تالیفات متعددی در علوم مختلف اسلامی دارد که بسیاری از آنها تکمیل و یا شرح آثار پدرش علامه حلی است؛ از جمله تکمیل کتاب الفین، و «ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد».

تالیفات او عبارت‌اند از: ایضاح الفوائد: این کتاب، شرح قواعد است که آن را به دستور پدرش تصنیف کرد. بنا به گفته شیخ بهایی، نظیر آن در فقه استدلالی، تألیف نشده است. آرای فخرالمحققین در کتاب «ایضاح الفوائد» مورد توجه فقهاست. تحصیل النجاة درباره اصول دین، شرح نهج المسترشدين علامه حلی در موضوع علم کلام، رساله پرسش و پاسخ، رساله فخریه در نیت، جامع الفوائد، ثبات الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، حاشیه بر ارشاد الاذهان علامه، واجبات الصلوة الثمانية، شرح مبادئ الاصول، المسائل المظاہریة، جامع الفوائد فی شرح خطبة القواعد که تنها خطبه قواعد علامه را شرح داده است. حاشیه‌ای بر قواعد علامه: این کتاب غیر از ایضاح الفوائد است. شرح مبادئ الاصول علامه، غایة السؤال فی شرح تهذیب الاصول علامه، الکافیة الوافیة در علم کلام، منبع الاسرار.<sup>۱</sup>

#### ۷. سایر متکلمان حوزه حله

همان گونه که گذشت، حوزه حله یکی از قوی‌ترین مراکز علمی در تاریخ اسلامی و شیعه بوده و جهش بزرگی را در روند تطور علوم اسلامی به وجود آورد و دانشمندان بزرگی را تربیت نموده است که در اینجا فقط به ذکر نام برخی دیگر و معرفی کوتاه آنها بسنده می‌کنیم.

۱. قطب‌الدین رازی: محمد بن محمد بویه‌ای رازی ورامینی معروف به قطب‌الدین رازی (۶۴۷-۷۶۶ق) از دانشمندان شیعه در علم منطق و کلام و

۱ معارف و معاریف، ج ۷، ص ۷۴۷



فلسفه. وی شارح حکمت اشراق سهروردی است. کتاب المحاکمات بین شرحی الاشارات از مهم‌ترین آثار اوست.

۲. شهید اول: ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن مکی بن محمد شامی عاملی جزینی (۷۳۴-۷۸۶ق) مشهور به شهید اول یا شیخ شهید از فقهای شیعه در قرن هشتم قمری است. شهید اول در زمینه فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت متبحر بود و به کشورهای مختلف اسلامی سفر کرد و اجازاتی نیز دریافت نمود. وی صاحب کتاب فقهی اللمعة الدمشقیة است. او سرانجام در ۷۸۶ق به دست مخالفان شیعه به شهادت رسید. با این که شهید اول با وجود فشارها مجبور شده بود که راه تقیه را در پیش بگیرد و در پوشش مذاهب فقهی اهل سنت به تدریس فقه امامیه اقدام کند. با این که منطقه شامات در تسخیر ظاهرگرایان بود با این همه شهید اول در پوشش فقه، علم کلام را رشد داد و برای نمونه مساله امامت و حکومت به دایره مسائل فقهی پیوست و اصل ولایت فقیه که دکتترین شیعه در زمان غیبت بود، در بستر علم فقه به بحث گذاشته شد.

۳. سید حیدر آملی: سید حیدر آملی، (زنده تا ۷۸۷ق) عارف شیعه قرن ۸ق بود. وی در آمل، خراسان، استرآباد و اصفهان به تحصیل معقول و منقول پرداخت و به زادگاه خود بازگشت. در بازگشت، حاکم طبرستان وی را وزیر خود ساخت. پس از چندی، از مقام وزارت و همه بهره‌مندی‌های دنیوی کناره جست و راهی زیارت اماکن مقدس شیعه، بیت المقدس و سپس مکه شد. پس از آن به عراق رفت، در آنجا ماند و کتب عرفانی را در نجف نزد عارفی گمنام به نام عبدالرحمن بن احمد مقدسی خواند و نیز از تعالیم نصیرالدین کاشانی حلی و فخرالمحققین فرزند علامه حلی بهره‌مند شد.

جامع الاسرار و تفسیر المحيط الاعظم و شرح فصوص الحکم ابن عربی با عنوان نص النصوص سه اثر معروف بر جای مانده از اوست. از دیدگاه‌های

مختص سید حیدر آملی، توحید وجودی است. او این توحید را مخصوص اولیاء می‌داند که وجود را تنها در وجود مطلق می‌بینند. از دیگر نظریات وی، اعتقاد به رابطه تنگاتنگ بین توحید باطنی و ولایت است.

۴. فاضل مقداد: مقداد بن عبدالله بن محمد حلّی سیوری (درگذشت: ۸۲۶ق)، فقیه و متکلم شیعی، معروف به فاضل مقداد. او در قریه سیور از توابع حلّه عراق و در قبیله بنی اسد به دنیا آمد و پس از طی مراحل علمی، در شهر نجف سکونت گزید و در همان‌جا درگذشت. او از شاگردان شهید اول بوده و از او روایت کرده است. ابن‌قطّان و حسن بن‌راشد حلّی از شاگردان وی بوده‌اند. مشهورترین اثر او در فقه کنز‌العرفان فی فقه القرآن است که به بررسی آیات فقهی در قرآن می‌پردازد. اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه نیز از آثار مهم کلامی او است.

به علت وجود برخی اتفاقات در حله و مهاجرت فاضل مقداد از حله به نجف، در حقیقت اتمام دوره شکوفایی علم کلام در حوزه حله و آغاز آن در حوزه نجف بود. البته این انتقال ظرف یک یا دو سال صورت پذیرفت بلکه شاید بتوان گفت یک قرن طول کشیده است، به همین دلیل فاصله تاریخی موجود بین فاضل مقداد تا مقدس اردبیلی را باید دوره انتقال بنامیم.

۵. جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلّی (م ۶۷۶ق) مؤلف کتاب اصول الدین

۶. ابن داود حلّی صاحب رجال معروف (تولد ۶۴۸ق) و هم عصر علامه

حلّی

۷. شیخ علی بن محمد، معروف به نصرالدین قاشانی حلّی (م ۷۵۵ق)

۸. حسن بن سلیمان بن خالد حلّی، شاگرد شهید اول

۹. ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ق) کتاب الدر الفرید را در موضوع علم توحید نوشته

است.



## ۸. ویژگی‌های مدرسه کلامی حله

### ۱-۸ گسترش علم کلام بعد از رکود

یکی از علومی که بعد از سقوط آل بویه و پراکنده شدن علمای بغداد، توسط سلاجقه مسکوت مانده بود، علم کلام بود که با تلاش‌های خواجه نصیرالدین رونق گرفت و به واسطه علامه حلی و شاگردانش استحکام بخشیده شد. تنوع و جهش در این علم به حدی بود که کلام اهل سنت نیز تابعی از کلام شیعه شد و آنان نیز در تالیف کتاب‌های کلامی دنباله‌رو روش کلامی شیعه شدند.

### ۲-۸ نهادینه شدن عقل‌گرایی در علم کلام

تنها در حوزه حله بود که به تبعیت از خواجه نصیرالدین، علم کلام بر پایه منطق ارسطویی استوار شده و متکی بر فلسفه، آن هم مشرب مشاء شد و قبل از آن عقل‌گرایی در حوزه‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. این امر تا اواسط دوره صفوی آن چنان نهادینه شده که گونه‌ای دیگر متصور نبود و تنها بعد از ظهور استرآبادی بود که این شیوه با چالش مواجه شده و اندکی تعدیل یافت.

### ۳-۸ تعامل سیاسی بر اساس مبانی کلامی

بعد از تسخیر بغداد از سوی هلاکوخان، حوزه حله نیز همکاری با حکومت را پذیرفت و علمای بسیاری وارد عرصه سیاست شدند. در این دوره، کنترل کامل موقوفات دینی بر عهده خواجه نصیرالدین طوسی بود. بدین ترتیب، مفهوم سلطان عادل و سلطان جائز که از دوره حوزه علمیه بغداد دوم وارد کلام شده شود و در فقه و بیشتر در مبحث مربوط به نماز جمعه نمود می‌یافت در حوزه علمیه حله از نو مطرح شده و نقش مهمی پیدا کرد.



## نتیجه گیری

حوزه حله مهم‌ترین مرکز علمی خاورمیانه و ممالک اسلامی در عصر ایلخانان بود. در این حوزه به پرورش دانشمندان بزرگی در زمینه‌های مختلف دینی پرداخته شد و به تاثیر گذارترین، مرکز علمی در مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. آن چه که در این مدرسه نمود و بروز بیشتری، علاوه بر تبیین آموزه‌های مکتب تشیع، دارد؛ استنباط، تبیین، اثبات و دفاع استدلالی و عقلی از باورهای اعتقادی این مکتب، با رویکردی جدید است.

## فهرست منابع

۱. اعیان الشیعه، سیدمحسن امین، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۲. الفوائد المدنیه، محمدمبین استرآبادی، قم: دارالنشر لاهل البیت ع، بی تا.
۳. الکامل فی التاریخ، عز الدین ابن الأثیر (المتوفی: ۶۳۰هـ)، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش.
۴. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمدبن علی طبرسی، مصحح: محمداقبرخرسان، مشهد: نشرمرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۵. اندیشه‌های کلامی علامه حلی، اشمیتکه ۱۳۷۸ش.
۶. التهذیب، محمدمبین حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۷. اصول الحدیث واحکامه، جعفر سبحانی، قم: انتشارات موسسه امام صادق ع، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۸. الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب، فاضل مقداد، قم: کتابفروشی علامه، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ش.
۹. الالفین الفارق بین الصدق و المین، حسن بن یوسف حلی، تهران: انتشارات موسسه الاسلامیه للبحوث و المعلومات، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۱۰. اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۳۷۱ش.
۱۱. ادب دعا در شیعه، رسول جعفریان،
۱۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، فخر المحققین حلی فرزند علامه حلی، عقیقی بخشایشی
۱۳. تاریخ فتوحات مغول، ج.ج. ساندروز، ترجمه: ایرج نوبخت، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
۱۴. تاریخ منتظم ناصری، اعتمادالسلطنه، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۱۵. تاریخ ایران، گردآورنده، جی.آ. بویل، ترجمه: حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
۱۶. تاریخ فلسفه اسلامی، اسحاق حسینی کوهساری، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۱۷. تاریخ الحله، یوسف کرکوش حلی، قم، انتشارات شیخ رضی، ۱۳۸۵ق
۱۸. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ناشر: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۰ش.
۱۹. تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سیدحسن صدر، ناشر: ذوی القربی، ۱۳۹۲ش
۲۰. جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله، تهران: انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
۲۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی، ترجمه: محمداقبرساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۲۲. ریحانه الادب، محمدعلی مدرس، تهران: خیام، ۱۳۷۴ش.



بررسی خصوصیات و ویژگی‌های کلامی مدرسه حله و علمای طراز اول آن

۲۳. رجال العلامه، علامه حلی، ۱۹۶۱م.
۲۴. سیر تطور کلام شیعه، محمدصفر جبریلی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۵. طبقات اعلام الشیعه (قرن السابع)، آقابزرگ، ۱۹۷۲م.
۲۶. فلاح السائل، سید بن طاووس، ۱۴۰۶ق.
۲۷. قواعد المرام فی علم الکلام، ابن میثم بحرانی، تحقیق: سیداحمد حسینی، قم: مکتبه آیه المرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۸. کشف الیقین فی فضایل امیرالمومنین ع، علامه حلی، تعلیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۹. کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۰. کشف المحجّه، سید بن طاووس، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۳۱. کمونه حسینی، موارد الإتحاف، ۱۳۸۸ق.
۳۲. گلشن ابرار، ۱۳ جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، قم: نشر معروف، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۳. معجم البلدان، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی (م۶۲۶ق) بیروت: دارصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.
۳۴. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، ناشر: موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۶ش.
۳۵. مقدمه محمدصادق بحر العلوم بر کتاب رجال العلامه الحلی.
۳۶. وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.

